

سبک‌شناسی لایه‌ای کتاب «مجالس» جلال‌الدین عتیق تبریزی

هدی فتح‌زاده، فاطمه حیدری*، ماه نظری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

سال هفدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۲، صص ۲۴۵-۲۳۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7551>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سده هفتم قمری بدلیل حمله ویرانگر مغولان و از میان رفتن بسیاری از مراکز علمی و فرهنگی و فرار بسیار از نخبگان علمی، فرهنگی و ادبی به دیگر کشورها و چیرگی بیگانگان بر مقدرات ملت ایران، همواره دوره‌ای بااهمیت بوده است. یکی از مباحثی که در این عصر لازم است به آن پرداخته شود، بحث شناخت سیر تحولات زبان و ادبیات فارسی و شاعران این دوره است. از جمله این شاعران برجسته و کمتر شناخته‌شده که همعصر حافظ شیرازی هم بوده است، جلال‌الدین عتیق تبریزی (۷۴۱ ه.ق) است. این پژوهش کتاب «مجالس» از جلال‌الدین عتیق تبریزی را مورد بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای قرار داده است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. منبع مورد مطالعه، تصحیح این اثر به دست سعید کریمی (۱۳۹۲) در نشر میراث مکتوب است.

یافته‌ها: مختصات سبکی شعر عتیق از نظر زبانی، فکری و ادبی همان مختصات سبک عراقی است. کثرت تلمیحات و اقتباسات قرآنی، لغات، ترکیبات و امثال عربی، بلندی مرتبه و پایگاه معشوق، افراط در خاکساری عاشق در برابر معشوق، بیان زهدیات و اصطلاحات صوفیه، اشارات قلندرانه و تعریض به زاهدان و صوفیان، بکارگیری استعاره اصطلاحات میخانه، مغ، شراب، مستی و... برای بیان اندیشه‌های عرفانی از جمله ویژگیهای سبک عراقی است که در مجالس او موجود است.

نتیجه‌گیری: از نظر زبانی، زبان مجالس پیراسته از کلمات ترکی و مغولی و آراسته به مفردات و ترکیبات نادر فارسی و عربی است. اشعار عربی عتیق مبین این است که او به زبان و ادبیات عربی تسلط کافی داشته است. خلق تشبیهات فراوان، شگرف و هنرمندانه مهمترین و اصلیت‌ترین ویژگی لایه بلاغی در این اثر است. عتیق در پیوند زدن عناصر عرفانی، دینی و عاشقانه با استفاده از تشبیهات خلاقانه استادی و مهارت ویژه‌ای دارد. در لایه ایدئولوژیک اثر، مفاهیم عرفانی لطیف و عاشقانه درونمایه اصلی است که گاه با مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در هم می‌آمیزد.

تاریخ دریافت: ۰۴ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۰۵ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۲۰ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

مجلس؛ مجالس؛ عتیق تبریزی،
قرن هفتم و هشتم، عرفان و تصوف،
سبک‌شناسی

* نویسنده مسئول:

fateme_heidari@kiau.ac.ir

۳۴۲۵۹۵۷ (۰۲۶ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Layered stylistics of the book "Majales" by Jalaluddin Atiqi Tabrizi

H. Fathzadeh, F. Heydari*, M. Nazari

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 24 January 2024
Reviewed: 24 February 2024
Revised: 10 March 2024
Accepted: 25 April 2024

KEYWORDS

Majales, Atiqi Tabrizi, 7th and 8th centuries, Mysticism and Sufism, Stylistics

*Corresponding Author

✉ fateme_heidari@kiauo.ac.ir

☎ (+98 26) 3425957

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The 7th century has always been an important period due to the devastating attack of the Moghols and the destruction of many scientific and cultural centers and the flight of many scientific, cultural and literary elites to other countries and the domination of foreigners over the destinies of the Iranian nation. One of the topics that need to be addressed in this era is the topic of understanding the evolution of the Persian language and literature and the poets of this period. Jalaluddin Atiqi Tabrizi (741 A.H.) is among these outstanding and lesser known poets who was a contemporary of Hafez Shirazi. This research has examined the layered stylistics of the book "Majales" by Jalaluddin Atiqi Tabrizi.

METHODOLOGY: This research was carried out using a descriptive-analytical method. The studied source is the correction of this work by Saeed Karimi (2012) in the publication of written heritage.

FINDINGS: The stylistic coordinates of ancient poetry are the same as the coordinates of the Iraqi style in terms of language, thought and literature. The abundance of Qur'anic allusions and quotations, Arabic words, combinations and proverbs, the height of the lover's status and base, the excess of the love of the lover towards the beloved, the expression of asceticism and Sufi terms, the sarcastic references to ascetics and Sufis, the metaphorical use of the terms tavern, wine, drunkenness, etc., to express mystical thoughts are among the features of the Iraqi style that are present in his gatherings.

CONCLUSION: From a linguistic point of view, the language of Majales is adorned with Turkish and Mogholi words and adorned with rare Persian and Arabic words and combinations. Ancient Arabic poems show that he had sufficient mastery of Arabic language and literature. The creation of many, wonderful and artistic similes is the most important and main feature of the rhetorical layer in this work. Atiqi has a mastery and special skill in connecting mystical, religious and romantic elements using creative similes. In the ideological layer of the work, subtle and romantic mystical concepts are the main theme, which is sometimes mixed with elements of magical realism.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7551>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 0

مقدمه

«مجالس» دربرگیرنده سخنان مشایخ و پیران تصوف است که بسیاری از آموزه‌های عرفانی و نکات بدیع تصوف را از طریق آنها به مریدان خویش و سایر مردم منتقل میکرده‌اند. مجالس و معارف ابوعلی دقاق، شیخ ابواسحاق کازرونی، ابوسعید ابوالخیر، احمد غزالی، سیف‌الدین باخرزی، بهاء ولد، برهان‌الدین محقق ترمذی، شمس تبریزی، مولانا و دیگران مشهور است. «متون عرفانی و بطور مشخص «مجالس» صوفیان در اساس قالبی تخیلی دارند؛ چراکه «پیر» در هنگام مجلس به ذکر حکایت‌هایی از عرفا میپرداخته و بجهت اینکه اکثر مخاطبانش عامه مردم بوده‌اند تمام تلاش خود را میکرده است که کلامش باورپذیر و مؤثر باشد؛ به همین دلیل مجلس‌گویی سراسر برخاسته از تخیل بسیار قوی و خلاقیت و تصویرسازیهای اوست» (ورمقانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۵). یکی از این کتب که با نام مجالس شناخته شده‌اند، مجالس عتیق تبریزی است. مولانا جلال‌الدین عبدالحمید بن قطب‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان بن کمال‌الدین ابوبکر عبدالرحیم عتیق بن عبداللطیف عتیق تبریزی از صوفیان سرشناس و شاعران برجسته قرن هفتم و هشتم هجری قمری است. برخی منابع نام او را عبدالحمید و بعضی دیگر محمد ذکر کرده‌اند. اما قطعاً نام وی عبدالحمید بوده است؛ زیرا ابوالمجد تبریزی، کاتب سفینه تبریز که از مریدان عتیق بوده و از دوران طفولیت در دامان وی بالیده است، نام او را همین گونه آورده است.

کتاب مجالس تألیف جلال‌الدین عبدالحمید عتیق تبریزی (سده هفتم و هشتم هجری) به تصحیح و تحقیق سعید کریمی از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است. در این پژوهش، کتاب مجالس عتیق مورد بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای قرار میگیرد. سبک‌شناسی لایه‌ای، شیوه‌ای از سبک‌شناسی معاصر است که آثار را به شیوه درون‌متنی و بر اساس لایه‌های به‌وجودآورنده (لغوی، آوایی، نحوی، بلاغی، و ایدئولوژیک) بررسی و تحلیل میکند. با بهره‌گیری از سبک‌شناسی لایه‌ای میتوان به ویژگیهای سبک فردی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی حاکم بر متن شاعر یا نویسنده دست یافت. این نوع سبک‌شناسی را میتوان از کاملترین و دقیقترین روشهای این علم به شمار آورد.

سابقه پژوهش

درباره عتیق تبریزی پژوهشهای چندانی صورت نگرفته است. به مواردی از آنها اشاره میشود. چرمگی عمرانی و رضانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تصحیح و معرفی مثنوی مناظره آهو و کمان عتیق تبریزی» به بررسی این اثر میپردازد.

قصه مناظره آهو، اثر این شاعر، خطیب و واعظ برجسته دوره ایلخانان نیز از جمله مناظرات ارزنده بجا مانده از قرن هشتم هجری است. در این مناظره نگاه او این است که عالم بر اساس یک سلسله نظام علی و معلولی اداره میشود، کسی بر اسرار قضا آگاه نیست و در نهایت سرمنشأ تمام امور در دست خداوند است. این اثر بلحاظ زبانی، ادامه سبک خراسانی است و بلحاظ معنی و محتوا بیانگر نوع نگرش جلال‌الدین عتیق تبریزی به نظام خلقت است. هدف اصلی این پژوهش، معرفی و تصحیح این مناظره است که تنها نسخه منحصربه‌فرد آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود. تاریخ تحریر این مناظره با توجه به ترقیمه نسخه به سال ۷۲۱ ه. ق در سفینه تبریز است و ظاهراً در زمان حیات شاعر کتابت شده است.

عالی محمودی (۱۳۹۷) در مقاله «تأثیرپذیری حافظ از جلال‌الدین عتیق تبریزی» به این نتیجه رسیده است که ذهن و زبان حافظ و عتیق بسیار نزدیک به هم است؛ بگونه‌ای که میتوان تأثیرپذیری حافظ از جلال‌الدین عتیق

را قرین به یقین دانست. این پژوهش کوششی است برای معرفی اشتراکات ذهنی و زبانی این دو شاعر مهم زبان فارسی در عهد ایلخانی مغول.

«بررسی بازتابی از رئالیسم جادویی در حکایت‌های مجالس عتیقی تبریزی» عنوان مقاله‌ای است از آمنه ورمقانی و همکاران (۱۴۰۱) در این جستار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به ذکر نمونه‌هایی از نقاط مشترک «سبک رئالیسم جادویی» و حکایات «مجالس عتیقی تبریزی» پرداخته شده است. از مهمترین نقطه‌های پیوند «مجالس» و نوشتن به سبک رئالیسم جادویی، کنشهای کرامت‌آمیز، رفتارهای عجیب و غریب، تخیل قوی، شکستن مرز واقعیت و فراواقعیت و به هم ریختگی ساختار علی و معلولی است.

«مجالس صوفیانه جلال‌الدین عتیقی تبریزی در سفینه تبریز» عنوان مقاله‌ایست از حیدر حسنلو (۱۳۸۶) که در این مقاله مجالس عتیقی از «سفینه تبریز» تصحیح و نقل گردیده که حاوی نکات دقیق عرفانی و تفسیر و تأویل آیات و روایات از دیدگاه عارفان بزرگی چون حسن بصری، جنید بغدادی، حسین منصور حلاج، سری سقطی، سفیان ثوری، منصور عمار، معروف کرخی، ابراهیم خواص و مالک دینار است. عتیقی در این مجالس با ذکر معانی عرفانی آیات قرآن، به جنبه‌های باطنی آیات، قصص قرآن، زندگی مشایخ و انبیای الهی و لطائف قرآنی پرداخته و با ذوق شاعرانه، کنایات و اشارات صوفیانه را در ضمن لطائف عرفانی و تعبیرات مجازی بیان کرده است. پورامینایی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی سبک شعر جلال‌الدین عتیقی (مطالعه موردی، دیوان شعر)» کوشش خواهند کرد تا به این پرسش پاسخ دهند که اهمیت و مختصات سبکی دیوان اشعار جلال‌الدین عتیقی در چیست.

بحث و بررسی

جلال‌الدین عتیقی در تبریز دیده به جهان گشود. از تاریخ دقیق تولد وی اطلاعی در دست نیست. برخی تذکره‌نویسان ۶۴۶ هجری قمری را زمان تولد وی ذکر کرده‌اند. پدرش، قطب‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان، از مفسران و عاظم شهیر و عالمان بزرگ آذربایجان در سده هفتم هجری به شمار میرفت و خاندان وی به فضل و احسان معروف و در علم و حشمت و جوانمردی بی‌بدیل بوده‌اند (مقدمه دیوان عتیقی، پورجوادی و کریمی، ۱۳۹۲: ۱۰). همچنین این شاعر نامدار از معاصران اولجایتو خان ایلخانی بود و با خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر و پسرش غیاث‌الدین محمد نشست و برخاست داشته است (صفا، ۱۳۶۳: ۱۱۲۵). پژوهشگران معاصر غالباً عتیقی را شاعری فصیح و سخنور توصیف کرده‌اند، علاوه بر این وی در تفسیر صاحب نظر بوده است؛ زیرا در مجالس، تفاسیر عرفانی قابل توجهی از برخی آیات ارائه داده و نیز درباره تفسیر خواجه رشیدالدین، وزیر مقتدر ایلخانان، اظهار نظر کرده است. عتیقی در مواضع خویش آیات، احادیث، قصص انبیاء و حکایات صوفیه را در یکدیگر می‌آمیخت و همچنین در فصاحت و بلاغت مقامی بلند داشت و غالباً در غیایه تبریز وعظ میکرد. همچنین منظومه فکری او سرشار از مفاهیم عرفانی بوده است.

از این شاعر برجسته دو اثر مهم برجای مانده است: نخستین اثرش که در سال ۷۴۴ هجری تألیف شد دیوان شعر وی است. دیوان اشعار او با وجود پختگی ذهن و زبان و اهمیتی که در سیر تحول ادب فارسی، بویژه در تحول سبک از خراسانی به عراقی و ورود مفاهیم و مبانی عرفان و تصوف در شعر فارسی دارد، کمتر شناخته شده است. در این دیوان علاوه بر صنایع و آرایه‌های ادبی، مفردات و ترکیبات نادر فراوانی وجود دارد که از نظر ادبی و زبانی حائز اهمیت است. افکار صوفیانه و عارفانه، ترجیح عشق بر زهد، خاکساری مفرط به درگاه معشوق، وحدت وجود

و... از جمله اختصاصات فکری شعر عتیقی است. دل‌بستگی و تسلط او بر زبان و ادبیات عرب کاملاً آشکار است و در دیوان شعر او علاوه بر وفور کلمات، ترکیبات و اصطلاحات عربی، بیش از یازده قصیده و تعداد قابل توجهی رباعی و مفردات به زبان عربی دیده می‌شود (عالی محمودی، ۱۳۹۷: ۵۵).

از دیگر آثار وی، کتابی به نام «مجالس» است. در واقع این کتاب سخنان، لطایف و اشارات عتیقی است. از ویژگی‌های این کتاب عتیقی باید گفت با منابع و مجالس مشایخ پیشین تفاوت چندانی ندارد و تنها تفاوت آنها با سایر مجالس در این است که مملو از صور خیال شگفت‌انگیز است. وی در برخی مجالس آیه‌ای از قرآن می‌خواند و پس از ترجمه آن به فارسی به تفسیر آن می‌پردازد و در پایان لطیفه‌ای بصورت شعر یا جمله‌ای کوتاه ذکر می‌کند.

ابوالمجد تبریزی، که زمانی مرید وی بوده، از سال ۷۱۲ تا ۷۱۸ هجری برخی از سخنان او را یادداشت کرده و در ۷۲۳ هجری در سفینه تبریز درج کرده است. بر اساس تاریخی که در ابتدای هر مجلس آمده تعداد مجالس ۲۲ مجلس است که ابوالمجد بنا به سلیقه خود آنها را در ۶۷ قسمت مجزاً گنجانده است. مجالس به آیات، احادیث، اشعار عربی و فارسی آراسته شده است (همان: ۴۵). همچنین اصولاً نحوه تفکر و سبک گفتار مجالس، تحلیلی نیست و از شیوه فلاسفه و حکما در بیان مطالب عرفانی تبعیت نشده است؛ بلکه عتیقی به سبک ادیبان سخن می‌گوید و مطالب خود را از روی نظم و ترتیبی که به ذهن معتاد به فلسفه و منطق انتظار دارد، دنبال نمی‌کند. مطالبی که او در مجالس بیان می‌کند، زائیده عقل جزئی و تفکر منطقی نیست، بلکه حاصل تجربه باطنی اوست و وارداتی است که از عالم معنا به وی القا شده است.

آثار دیگر او عبارتند از سه یادداشت کوتاه (تقریظ بر تفاسیر خواجه رشیدالدین فضل‌الله)؛ منابع (این اثر از ابوالمجد محمدبن ملک مسعود است که خود از مریدان جلال‌الدین بوده و محضر او را درک کرده و از منابع او شنیده و نکاتی را یادداشت کرده است) (ر.ک: حائری، مقدمه سفینه تبریز)؛ مثنوی کوتاهی با عنوان «مناظره آهو و کمان» در ۱۱۸ بیت به بحر هزج مسدس محذوف یا مضمونی حماسی که در زمان حیات شاعر به سال ۷۲۱ ه.ق کتابت شده است و در سفینه تبریز آمده است (چرمگی عمرانی و رضانی، ۱۳۹۴: ۲۳۴).

سبک‌شناسی لایه‌ای مجالس عتیقی تبریزی

لایه آوایی

نوع انتخاب آواها در هر اثر، سبک آن اثر را تشکیل می‌دهد. ممکن است هر شاعری به آواها، وزنها، قافیه‌ها، ردیفها و بدایع لفظی خاصی علاقه نشان دهد و از آنها بیشتر در اشعارش بهره ببرد و کلامش را دارای سبک کند. از آنجا که این اثر به نثر است، در این لایه تنها میتوان به نموده‌های بدیع لفظی پرداخت. پرسامدترین مؤلفه‌های لایه آوایی در مجالس، تکرار، جناس، واج‌آرایی، و سجع است.

تکرار: صنعت تکرار در این اثر بیشتر بصورت تکرار کلمات است؛ اعم از اسم و فعل که به مصادیقی از آن اشاره میشود:

«پس ازینجاست که خاک و آب را که اصل ایشان است، احساس و ادراک میتوان کردن. پس لاجرم آدمی را نیز احساس میتوان کردن. اما آتش و باد را نمیتوان کردن» (۱۴).

«این ساعت آن ساعت را دریاب پیش از آنکه آن ساعت تو را دریابد» (۱۹).

«دنیا را به نمرود داد که او را به پشه‌ای گرفتار کرد و دنیا خود پشه‌ای است. اکنون پشه‌ای را که نهبانش پشه‌ای باشد و مالکش را به پشه‌ای هلاک کنند، چه اعتبار باشد؟» (۲۷).

«ما چشم به تو دادیم و چشم آن داشتیم که چشم به ما داری، تو چشم به دیگری چرا داری؟» (۳۲).

«قرآن بطن در بطن است تا هفت بطن. تو نیز بطن در بطنی» (۵۴).

عتیقی از این صنعت برای تأکید و تأثیرگذاری بیشتر استفاده کرده است.

سجع: این اثر را نمیتوان مسجع دانست و حضور سجع جز در دیباجه آن بسیار کم‌رنگ است. نمونه‌هایی از آن: «که سرِ افصل ایام و سرور اکابر انام است» (۳)؛ سخنگوی درین باب تا تواند در عبارت نازلتر کوشد تا بر عوام نپوشد» (۴).

انواع جناس: مانند تمامی آثار ادب فارسی، انواع جناس در این اثر نیز مشاهده میشود که به پرتکرارترین انواع آن اشاره میشود.

جناس اشتقاق: تویی جان لطف و جهان لطافت تویی کان فضل و مکان فضایل (۴)

جناس شبه اشتقاق: «خال او خلیل است که در آتش رخسار او افتاده است» (۴۶).

جناس ناقص حرکتی: «حاکم ولایت ولایت» (۱۴)

جناس تام: «فرقش همچو فاروق از عدل به مثابتی بود که به مویی فرق نکردی» (۱۷).

جناس اختلافی: «حسین فتنه روی او بود و آشفته موی او» (۱۷)؛ رمضان صاحب جمالی است که از روز روی دارد (۲۳).

جناس تصحیف (خط): «من میروم تا آن خال را مشاهده کنم که بر چه حال است» (۴۷).

جناس افزایشی: «این ساعت به آخر آید و آن ساعت آخرت درآید» (۱۹)؛ «نمیدانم که باز این چه دستان است که بر دست گرفته‌ای؟» (۳۲)؛ «پیش از آنکه آفتابه آفتاب را روگر روزگار بسازد» (۴۳).

واج آرایبی: واج آرایبی یا هجا آرایبی از عواملی است که موسیقی درونی شعر را تقویت میکند. «این موسیقی درونی را میتوان در چارچوب فرآیند برجسته‌سازی زبان و آشنایی‌زدایی جای داد؛ بویژه اگر این نوع هماهنگیهای صوتی با فضا و زمینه موضوعی و عاطفی شعر مناسب باشد» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۱۶). از بررسی این اثر مشخص میشود عتیقی توجه خاصی به این صنعت نشان داده است:

«خداوندا، باد خاکسار بی‌اعتبار بادپیمای بیهده‌گو را این همه قوت و توانایی داده‌ای...» (۷)؛ «خال او خلیل است که در آتش رخسار او افتاده است» (۴۶).

تخفیف و افزایش واج: ابرهیم (۹)؛ شبانروز (۹)؛ کوه بازاستاد (۱۵)؛ نومید (۵۱)؛ گنهکار (۵۳)؛ چهله (چله) خلوت (۳۰).

لایه لغوی

کاربرد کلمات و عبارات عربی: میتوان گفت مجالس عتیقی سرشار از کلمات، تمائیل، آیات و احادیث عربی است. با وجود این کلمات عربی ثقیل و غیرمتداول در فارسی در آن بسیار اندک است که به برخی از آنها اشاره میگردد: تذکیر (۴)؛ ممتحن (۷)؛ مناهی / تائب (۲۳)؛ اراقت (۳۱)؛ ثغر (۳۳)؛ مدقوق / متوحش / مستأنس (۵۷)؛ مقاطعه (۶۰)؛ تراجع (۶۶)؛ متمشی (۷۲).

گاه نیز در جایی که انتظار استفاده از کلمه عربی نمی‌رود، آن را به کار میبرد: «چون پسر تو متوفی شده بود» (۱۳)؛ «و ملائکه را با جن حرب برخاست» (۱۴).

برخی از تمائیل عربی: بقدر الوسع و الطاقه کما هو عادة اهل الطاقه (۴)؛ اظهر من الشمس و اجلی من المسک (۴)؛ و عذر عند الکرام الناس مقبول (۵).

کاربرد انواع را: عتیقی فقط از دو نوع «را» استفاده کرده است: نشانهٔ مفعول و حرف اضافه. رای فک اضافه در این اثر مشاهده نشد.

رای حرف اضافه: «ایشان را وجود هست» (۱۳)؛ «و ما را چهار طبع است» (۱۳).

رای نشانهٔ مفعول: «و آدمی را از خاک و آب آفریدیم» (۱۳)؛ «صورت مجنون را از آن دیوار محو کرد» (۳۱).

کاربرد انواع «ی»: بیشترین بسامد متعلق به «ی» نکره است.

فخامت و شگفتی: «او را پسری بود یکتایی سروقدی» (۵۱)؛ «آهوئی بود متوکللی کوهگردی دشت پیمایی» (۵۷).

نکره: «روزی مجنون را دیدند که در صحرائی میگذشت» (۳۵).

وحدت: «ما را در جهان وصالی میسر نشد» (۳۵).

نسبت: «مجویی نومید بازگشت» (۵۱).

مصدر: «چهارصد سال بت‌پرستی» (۵۱)؛ بینایی؛ شنوایی؛ گویایی (۵۵)؛ دورویی و دوزبانی (۵۹).

تحقیر: «مشتی خاک که در تربت مسلمانی میندازند در مقابلهٔ همهٔ سیئات می‌ایستد» (۵۳).

انواع جمع: انواع جمع با نشانه‌های فارسی و عربی در مجالس عتیقی به کار رفته است که بیشترین بسامد آن متعلق به جمع مکسر است:

جمع با نشانهٔ «ان»: کرکسان (۱۲)؛ جنیان (۱۴)؛ کشیشان / بخیلان (۱۹)؛ آشنایان (۴۸)؛ مجلسیان (۵۰)؛ زاهدان / یهودیان (۵۳)؛ طفلان (۵۶).

جمع با نشانهٔ «ات»: طیارات (۱۹)؛ صدقات (۵۱)؛ قطرات / حسنات / سیئات (۵۲).

جمع با نشانهٔ «ها»: صندوقها (۴۱)؛ حلواها / چیزها (۴۸)؛ میخانه‌ها (۵۱)؛ خاصیتها (۵۲)؛ دورباشها / شاخها (۵۴)؛ ریحانها (۶۰)؛ تاریکیها (۷۲).

جمع مکسر: افاضل، ایام، انام، فضلا (۳)؛ رسائل، لطایف (۵)؛ عرایس، ابکار، انامل (۶)؛ امراض (۷)؛ وحوش و طیور (۱۲)؛ ارکان و جوارح (۱۶)؛ مناهی و معاصی (۲۳)؛ احبار (۲۴)؛ اعضا و احشا (۳۰)؛ اموات (۳۹)؛ مصاحف (۴۱)؛ اطبا (۶۸).

ساخت و کاربرد ترکیبات بدیع: عتیقی در ساخت ترکیبات زیبا و بدیع دستی بر آتش دارد که بیشتر آنها مثبت بوده و در توصیف پیامبران آمده است: علم‌پرور سخن‌آرای، دُرْبخش گوهرآرای (۳)؛ ثقیل‌طبع؛ کوه‌گرد (۶)؛ خاک‌نشین ریگ‌پیما (۷)؛ باد صبح‌خیز مشک‌ریز (۷)؛ پاندروهای بادپیمای (۲۸)؛ پُردست (۳۲)؛ روستان (روسیه) (۳۳)؛ میان‌باریکِ جوع و عطش (پیامبر اسلام) (۴۰)؛ بلبل داودی‌لحن / خارج‌آوازانِ کفر (۴۱)؛ اشترصفت (۴۸)؛ خداخانه (۲۶).

لایهٔ نحوی

استفاده از ضمیر منفصل بجای ضمیر متصل: «بپرستید پروردگار شما را».

تطبیق صفت و موصوف: در موارد معدودی به پیروی از قواعد زبان عربی، صفت و موصوف در جنسیت تطابق دارند: اوراق مختلفه (۴)؛ دختری ضعیفه (۳۲)؛ عایشهٔ صدیقه (۴۱).

ترکیب وصفی مقلوب: «پانصدساله عبادت مرا چه فایده باشد؟» (۵۵).

کاربرد صورت کهن کلمات: زبان مجالس عتیقی ساده، روان و قابل فهم است و کلمات کهن فارسی در آن کمتر مشاهده میشود اما گاه صورت قدیمیتر آوایی کلمات در آن آمده است: نبشتن (۵)؛ زبرجد (۶)؛ اسپ / پیل (۱۰)؛

درفشان (درخشان) (۱۲)؛ فریشتگان (۲۲)، بزق (وزغ) (۲۲)؛ افریدون (۲۴)؛ جاروب (۳۷)، شبخون (۳۹)؛ چرکن (۵۸)، آماه (آماس) (۵۳).

آوردن «ب» بر سر فعل ماضی: در زبان فارسی کهن «ب» گاه برای تأکید یا التزام بر سر فعل ماضی می‌آید که به آن بای زینت یا بای زاید هم گفته‌اند: «و تیری در کمان نهاد و یک کافر را بکشت» (۱۱). «این بگفت و جان بداد» (۱۲)؛ «شیطان را به اسیری بیردند» (۱۴).

کاربرد فعل پیشوندی: اغلب افعال در این اثر دارای ساختار ساده و گاه مرکب هستند. افعال پیشوندی در رده سوم قرار میگیرند: «آن طفل از اسپ درافتاد» (۱۲)؛ «منصور برخاست» (۱۲)؛ «کرکسان و طیور بیامدند و او را درربودند» (۱۲)؛ «آدمیان آن را برداشتند» (۱۵)؛ «چند قطره باران بیامد و آن آتش را فرونشاند» (۳۵)؛ «روی از آن شهر برتافت» (۳۶)؛ «با آن اسپان برنیامدند» (۳۷).

کاربرد صورتهای مختلف فعل ماضی استمراری: ماضی استمراری علاوه بر شکل امروزی، در قدیم به صورتهای مختلفی به کار می‌رود که در مجالس عتیقی نیز برخی از این صورتهای به کار رفته است:

- افزودن «ی» در آخر به جای «می» در ابتدای فعل: «اگر از آن قوم نبود، استثنا ازو درست نبود» (۱۴).
 - کاربرد «ب» در ابتدا و «ی» در آخر فعل: «مگسان بیامدندی و او را زحمت دادندی و بر مرکب نشستندی» (۱۹)؛ «چند گرگ بیامدندی و یوسف را بیردندی» (۴۵).

- صورت امروزی آن: «مدتها خون میخورد» (۵۴)؛ «او در صحرا بی میگذشت تشنه شد» (۵۷).

کاربرد فعل کمکی وجه‌ساز: افعال کمکی مانند «بایستن» و «شایستن» و «توانستن» را به این علت که با استفاده از آنها میتوانیم فعل اصلی را به حالت خاصی از وجه التزامی (احتمال، قطعیت، توانستن، ضرورت و...) ببریم، افعال کمکی وجه‌ساز مینامیم. در مجالس عتیقی، این ساختار فعل بسیار به کار رفته است و پس از آن مصدر آمده است: «چون قیامت نزدیک است، به کار آن مشغول میباید شدن و در آن سعی کردن» (۱۸)؛ «حال دریا از سیل باید پرسیدن» (۲۶)؛ «رعایت او میباید کردن» (۲۷)؛ «حدیث آیت رحمت پیش آیت عذاب بر زبان نتوان راندن» (۳۶).

کاربرد فعل امر با و بدون «ب»: «حال مصطفی با من بگوی... من یک سؤال دارم تو آن را جواب ده» (۲۶)؛ «قطره‌ای چند بر این بیچاره بیار» (۳۵).

تقدیم فعل بر فاعل / مسندالیه: «سایه افکند بر شما ماهی مبارک ماهی عظیم» (۲۴).

جملات ساده و کوتاه: یکی از ویژگیهای لایه نحوی مجالس عتیقی، استفاده از جملات ساده، کوتاه و پشت سر هم است که اثر را به متنی قابل فهم و روان بدل کرده است؛ گاه یک جمله فقط از یک فعل تشکیل شده است و جزء دیگری ندارد و البته این امر سبب پویایی و تحرک متن نیز در بافت حکایات شده است: «آتش در نهاد منصور افتاد و تعجب کرد و بازگردید و خانه آن زن ببرسید و آن توبره از یحیی علاف بستند و برد و در آن خانه زد» (۱۲).

«چشم ناتوان او بیمار گشت. زلف مشکین او پریشان شد. سرو قد او همچو بید در لرز آمد. رخساره ارغوانی او زعفرانی شد» (۱۸).

گاه این جملات کوتاه با افعالی یکسان و تکراری، پشت سرهم تکرار میشوند: «مجوسیئی بود که چهارصد سال بود که بت پرستیده بود و او را پسری بود...» (۵۱).

لایه بلاغی

باید گفت اصلیت‌ترین ویژگی لایه بلاغی مجالس تبریزی، خلق تشبیهات بدیع، نوآورانه با مؤلفه‌های دینی و عرفانی است. گاه چنان این تشبیهات در هم می‌آمیزند که شبکه‌ای از تشبیهات متعدد را در بر می‌گیرد که تشخیص و تفکیک آنها از یکدیگر نیازمند ذوق و دانش ادبی خواننده است. در برخی از این موارد نیز صنایعی چون استعاره، تشخیص، مراعات النظیر و کنایه نیز وجود دارند و با تراجم بلاغی مواجهیم.

برای نمونه در عبارت ذیل تشبیه بلیغ (بیاض جبین)، کنایه (قلم راندن)، تضاد (بیاض و سواد)، ایهام (سواد: سیاهی لشکر، سیاهی مو)، قلم تکلیف راندن بر بیاض جبین: رویدن مو بر صورت، همگی با یکدیگر در ارتباط بوده و تصاویری بدیع خلق کرده است:

«هنوز بر بیاض درفشان جبینت قلم تکلیف نرانده‌اند، چه وقت آن است که در سواد لشکر درآیی؟» (۱۱).

در عبارت ذیل نیز دو تشبیه وجود دارد که با تشخیص و استعاره درآمیخته است و به ارزشمندی و برابری آن با هزار شب نیز اشاره میکند:

«رمضان صاحب جمالی است که از روز روی دارد. گیسوی او که شب قدر است، هزار کلاله دارد» (۲۳).

در برخی موارد نیز اصطلاحات و کلمات قرآنی را به مشبیه‌هایی شگرف تبدیل میکند که در ادبیات فارسی کهن کم‌نظیر است:

«ای سیاه تو بیا پیش من و قرآن بیاموز که من عیال تو را نفقه دهم تو از من والشمس بیاموز تا خرج والضحی تو مرتب کنم. در شب همچو دخان سوره محمد یاد گیر تا منور گردی» (۲۷)؛ «در صورت آدمی چندین سوره است: اول چشم و ابروش نون و قلم است، عارضش سوره یوسف است، رخساره‌اش سوره قمر است؛ لبش سوره محمد است؛ مویش سوره دخان است» (۳۰)؛ «کلیم دهانش همچو موسی ید بیضا مینماید... مردمک چشم او حبیبی است که به قاب قوسین ابروی او رسیده است» (۴۶).

گاه نیز مؤلفه‌های اساطیری و ایرانی را در خدمت شکلگیری تشبیهات خود درآورده است: «جمشید خورشید که از اشعه تیغ کشیده است و همچو ضحاک مغز آدمی برمی‌آورد...» (۲۹)؛ «ماه که همچو اسکندر در ظلمت است مسخر توست» (۲۴).

اصطلاحات علم فقه، قضاوت، و عرفان و تصوف نیز پایه برخی از تشبیهات او قرار گرفته است: «مردمک چشم او قاضی بود که بر مسند سیاه چشم او نشسته بود» (۴۹)؛ «زاهد مردم چشمش در خلوتخانه حدقه روی به محراب ابروی او آورده بود» (۵۰).

تشبیه مرسل: پرسامدترین تشبیه در مجالس عتیقی پس از تشبیه بلیغ، تشبیه مرسل است؛ ظاهراً عتیقی قصد داشته با ذکر تمامی اجزای تشبیه هم فهم آن را برای خواننده آسانتر سازد هم در ذکر هر یک از اجزاء، نبوغ و خلاقیت خود را به رخ بکشد:

«اعتیقی [چون جان در دل نشسته بود و چون دل در تن جای یافته]» (۳)؛ «[آهن] تیزطبعی است که همچو موسی یک موی بر تن باقی نگذارد» (۶)؛ «آتش رخ‌افروخته نورانی که گاه همچو عاشقانش آتش به سر درآید و دودش بر بالا رود...» (۷)؛ «زر رنجوری است یرقان‌رسیده صفراوی‌نهاد که نشان آبله سکه‌اش بر روی زرد مانده است» (۹)؛ «گلها همچو موسی ید بیضا نموده و بر عصا تکیه زده؛ نرگس همچو یعقوب چشم نهاده تا پیرهن پیش او آرد؛ گل همچو یوسف رخ سرخ کرده؛ لاله همچو ابرهیم در آتش افتاده و آتش گل و ریحان گشته» (۹ و ۱۰). تشبیه مجمل: گاه نیز با ساخت تشبیه مجمل، انتخاب یا کشف وجه شبه را بر عهده خواننده گذاشته است:

«زمان طفولیت که ابتدای نشونمای هر انسان است و نوبهار عمر هر حیوان است» (۳)؛ «سرانگشتان او شیخی بودند که هزارمیخی پوشیده بودند» (۲۱).

تشبیه مفروق: پس از تشبیه بلیغ و مرسل، تشبیه مفروق پرکاربردترین تشبیه در این اثر است: «خواجه عود خوشبو بود و بلال همچو عود سوخته بود ... خواجه روح بود و بلال شب قدر» (۲۵)؛ «خواجه آفتاب بود و من شب» (۲۵)؛ «عارضش سوره یوسف است؛ رخساره‌اش سوره قمر است؛ لبش سوره محمد است؛ مویش سوره دخان است» (۳۰).

تشبیه جمع: عتیقی آنجا که می‌خواهد به توصیف چیزی بپردازد، تشبیهاتی پی‌درپی برای آن ذکر میکند که حاصل آن تشبیه جمع است: «ای مجوسی این آتش چیست که تو میپرستی؟ کذابی است که از درگران بیرون می‌آید که آن سنگ و آهن است؛ بیماری است که صرع دارد... جاهلی است که هیچ فرقی میان عود و نجاست نمی‌کند» (۷۰)؛ «قندیل چون دل عاشقان آویخته است و بر آتش راست چون سلیمان پای بر باد نهاده است» (۴۲)

تشبیه بلیغ: تشبیه فشرده بجهت کوتاهی و فشرده‌گی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشبیه در آن، از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است. از این رو به این ساختار تشبیه بلیغ گفته می‌شود؛ چراکه همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشبیه یا وجه شبه آن دو به جستجو و کوشش وامیدارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال مینماید (میرصادقی، ۱۳۷۳: صص ۶۹-۸۳). عتیقی بیش از هر تشبیه‌ی، از تشبیه بلیغ استفاده کرده است تا از نهایت ظرفیت تشبیه بهره ببرد. نکته قابل توجه در این نوع تشبیهات، رعایت تناظر و تناسب در آنهاست:

«در وقت زمستان قاقم برف و سنجاب یخ به جهت شما ترتیب کرد» (۸)؛ «روزی بر تختگاه خاک درویشی نشسته بود و بر چهار بالش تسلیم و رضا و محبت و معرفت تکیه زده» (۱۴).

«گاه بلال دود را بر منار بوذر آتش میفرستاد؛ گاه بوجهل خار و خاشاک را با بولهپ آتش در تیه تنور سرگردان میکرد» (۱۶).

«دختر را دید که منجم چشمش به سرخی خون بر صفحه رخساره جهت تقویم دین جدول میکشید» (۳۲).

«دنیای غدار می‌خواهد که یزید شب را بیارد تا بر حسین روز غلبه کند و شبخون آرد» (۳۸ و ۳۹).

«بلال مردم چشمش بر منار حدیقه منتظر طلوع صبح شادی نشسته بود و دندان‌ش در عین تکاپو و بوجهل نفس اماره را به تیغ ریاضت هلاک کرده» (۴۱).

و نیز: بساط عز و دولت (۳)؛ بحر معانی (۴)؛ دلدل فکرت (۴)؛ عرایس ابکار انامل (۶)؛ در کواکب (۸)؛ اسپ دوتنگی گهواره (۱۱)؛ لعل مذاب خون (۲۰)؛ کیمیاگر آفتاب (۲۳)؛ جمشید خورشید (۲۴)؛ چرخ رخس (۲۴)؛ ابر رحمت، دریای وجود (۲۵)؛ هندوستان موی (۳۳)؛ گلزار معرفت (۳۶)؛ جاروب گیسو (۳۷)؛ غار حدقه (۴۱)؛ سیم اشک (۴۲)؛ طشت آفتاب / فرآش روزگار / عروس آفتاب (۴۳)؛ نگین دهان / گیسوی زنجیر (۴۶).

تشبیه تفضیل: کلام او بدل پندنامه لقمان حدیث او حسد عهدنامه کسری (۴)

استعاره: استعاره از فنون بلاغی پرسامد در مجالس عتیقی نیست و تقریباً همیشه با تشبیه همراه شده است و حضور آن در سایه تشبیهات، کمرنگ شده است:

«باد صبح خیز مشک‌ریز که گاه آرایش روی لاله‌رویان کند» (۷)؛ «این طاق کیبود را از برای شما درآورد. این خیمه را از برای شما وضع کرد» (۸). طاق کیبود و خیمه: استعاره از آسمان.

«ای لاله مرغزار نبوت و گل نوبهار مصطفویت، از حال آن سید کونین به من خبر ده... تو شاخ آن طوبی و ثمره آن سدره‌ای» (۲۵). «لاله»، «گل»، «شاخ» و «ثمره» استعاره از حضرت فاطمه (س) است. سید کونین، طوبی و سدره نیز استعاره از پیامبر اسلام (ص) است.

«وقت آنست که گلگونه دختر رز را بر دست گیرند» (۴۱)؛ «شمع پادشاهی است که تاج زرین بر سر دارد» (۴۱) استعاره از شعله.

تشخیص: تشخیص آرایه‌ای است که میتوان گفت در اغلب تشبیهات این اثر وجود دارد و در واقع عتیقی معمولاً به مشبه‌به‌های جاندار علاقه‌مند است و بدین وسیله به همه چیز روح و جان میبخشد. «در نظام فکری و زبانی او، هر چیزی در عالم خلقت سخن میگوید و به نوعی پیامی را به آدمی منتقل میکند» (مقدمه مجالس، کریمی، ۱۳۹۲: ص پنجاه و نه).

«آب بی‌اعتبار خاک‌نشین ریگ‌پیما را که پیوسته سر در قدم هر شاخساری نهد و هر درختی را سجده برد...» (۷)؛ «دف بیزبان را که جز به انگشت سخن نگوید در سخن می‌آوردند و او نهی نمی‌فرمود» (۴۱).

کنایه: کنایات در این اثر همان کنایات متداول در زبان فارسی هستند:

«ای منصور بسیار داستان مخوان. این سخن با ایشان گوی که خواهند از غزا زنده بازگردند» (۱۱). داستان خواندن: سخنان بیهوده و غیرضروری و طولانی گفتن.

«ما چشم به تو دادیم و چشم آن داشتیم که چشم به ما داری، تو چشم به دیگری چرا داری؟» (۳۲). چشم داشتن: انتظار داشتن؛ چشم به کسی داشتن: توقع حمایت و کمک از او داشتن.

«آخر در عالم آخرت دامن من بگیرد و خون خود از من طلب کند» (۳۵). دامن کسی را گرفتن: او را مؤاخذه و بازخواست کردن؛ خون کسی را طلب کردن: بهای گرفتن جان کسی را طلبیدن.

«منصور مشک بود؛ ایشان نظر بدان مشک نکردند؛ به ناهمواری نافه کردند؛ پس لاجرم در پوست او افتادند» (۳۶). در پوست کسی افتادن: از او بدگویی کردن.

«چون تو با ایشان هم‌معنایی نمیکنی، وقت آنست که ببندند...» (۴۱). هم‌معنایی کردن: همراهی کردن.

«چندان که سنگ بر آهن میزد، جز آهن سرد نمی‌کوفت» (۶۹). آهن سرد کوبیدن: کار بیهوده و محال انجام دادن.

مراعات النظیر: این فن بلاغی یکی از فنون مورد علاقه عتیقی تبریزی است. او از اصطلاحات شطرنج، نجوم،

موسیقی، طبیعت، دین و عرفان بهره میجوید و میان تصاویر هنری خود ارتباط برقرار میکند:

«ما بر رقعه وجود از برای آن شاه تحقیق، رخ بر خاک نهاده‌ایم. همچون فرزین کژرو نیستیم. تو اسب را پیلوار، فراخگام چرا میرانی که ما همچو پیاده راست‌رویم؟» (۱۱).

«ای مشتری باید که همچو زهره در گوشه کمانخانه نشسته باشی، چه وقت آن است که چون مریخ تیغکشی کنی

و با شیران معرکه درآویزی؟» (۱۱).

«میخواست که آن کمانچه را بر قانون پشت محمد راست کند تا نوای حسینی از آنجا بیرون آید» (۲۰).

«هر روز از زمرده شاخ یاقوت گل پیدا شدی تا از آن حقه سر بسته بار پدید آمدی» (۵۵).

«در مطبخ اندرون او جگر بریان میکردند و دلها کباب میساختند» (۱۴).

ایهام تناسب: ایهام محض در این اثر مشاهده نشد و شاید بتوان گفت بر اساس همان علاقه عتیقی به رعایت

تناسبات، این امر رقم خورده است:

«شیخ منصور عمار رحمه الله علیه چون وقت غذا درآمد، از غایت پیروی پشت او چون کمان شده بود و خود را جهت رعایت کیش، قربان تیر غذا کرده» (۱۰). کیش در معنای دین و آیین / تیردان؛ قربان در معنای قربانی شدن / کماندان.

«ای طفل هنوز خط بیاض وجود تو بر رقعۀ عالم ننوشته‌اند، چه وقت آنست که در سواد لشکر افتی؟» (۱۱). سواد در معنی سیاهی لشکر/ سیاهی.

«گفت ای دختر چشم خود را گوش دار» (۳۲) گوش داشتن با معنی کنایی مواظب بودن و در تناسب با «چشم». «میگویند که هر که در آن سعی کند صفایی یابد. من نیز میروم تا سعی کنم باشد که صفا بینم» (۴۷). از اصطلاحات حج برای ایجاد ایهام بهره برده است.

ترجمۀ ادیبانۀ آیات قرآن: یکی از ویژگیهای بلاغی مجالس عتیقی تبریزی، ترجمۀ شاعرانه و ادیبانه از آیات قرآن است. او معمولاً آیه‌ای را به بخشهای مختلف تقسیم کرده و گاه برای عبارتی از یک آیه، یک ترکیب بدیع جایگزین میکند. این امر تسلط او را بر زبان فارسی و عربی نشان میدهد:

«آدمی گرامی (و لقد کرمننا بنی آدم) آسمان‌سای (دنی فتدلّی)، کمانکش (قاب قوسین او ادنی) ...» (۷)؛ پیغامبر علیه السلام آن پادشاه خلعتپوش (کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین)، آن لشکرکش (آدم و من دونه تحت لوائی)، آن شبرو (سبحان الذی اسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی)» (۱۸).

و فنون بلاغی دیگری که نمونه‌هایی از آن ذکر میشود:

تنسیق الصفات: «عنکبوت هرزه‌گرد معلق‌زن بازیگر ریسمانباز» (۱۹)؛ «دیدم که جوانی مست خراب طافح افتاده» (۲۲).

تضاد: «اکنون آنان که دوستان منند پُردست آمدند و پردست رفتند و آنان که دنیادارانند تهیدست آمدند» (۳۲)؛ «ما زبان به تو از برای آن دادیم تا شکر ما کنی، تو خود کفران در پیش گرفته‌ای» (۳۳)؛ «لشکر سواد شب میخواست که بر لشکر روم روز زند تا لشکر کفر بر لشکر اسلام شبخون آرد» (۳۸).

من ز شهر دگرم چند ملامت کنی‌ام؟ / کانچه عیب است درین ملک در آنجاست کمال» (۳۶)

لایة ایدئولوژیک

اگرچه دبستان فکری عرفان و تصوف قبل از ظهور و حضور مغولان در جامعه ایران اسلامی رواج داشته است و بازتاب آن در آثار گویندگان زبان فارسی دیده میشود اما حضور مغولان باعث دگرگونی چشمگیری در روش و منش پویندگان این راه شد و این تحول در زبان و ادبیات هم تأثیر داشته است. میتوان گفت پررنگترین لایة ایدئولوژیک در مجالس عتیقی تبریزی نیز عرفان و تصوف است. سراسر مجالس حاوی معانی و مضامین لطیف عرفان عاشقانه است. در واقع او افکار او عمدتاً ریشه در مبانی تصوف و عرفان مثل عشق، وحدت وجود، بزرگداشت مقام معشوق، تکریم پیامبران و مانند آنها دارد.

رنالیسم جادویی: خالق اثر علاوه بر توجه به خرافات خود، ماجراها و اتفاقات فرامنطقی خلق میکند. بدین ترتیب داستان بنوعی غرابت و تازگی و آشنایی‌زدایی میرسد که در داستان‌نویسی اروپایی که عمدتاً مبتنی بر رنالیسم بود سابقه نداشت. در حکایت‌های متون عارفان، شاهد آمیختن واقعیت و خیال به نسبت‌های گوناگون هستیم. این خیال در ذهن و زبان راوی و مخاطب زمان خود، بخشی از واقعیت را تشکیل میدهد؛ چراکه آمیخته با باورهای عامه و بخشی از واقعیت زیستی آنها تلقی می‌شده است؛ یعنی آنچه امروزه ما از آن با عنوان حوادث مربوطه متافیزیک و

خارق عادت در عرفان نام میبریم، پدیده‌هایی بوده که خود عرفا و مریدانشان بدان باور و ایمان قلبی داشته‌اند. بعنوان مثال عتیقی تبریزی در حکایتی ضمن توصیف حالات روحی ابراهیم ادهم میگوید: «او [ابراهیم ادهم] روزی در بن کوهی نشسته بود؛ ناگاه آغاز کرد که: خدا را مردان باشند که اگر به کوه بگویند که حرکت کن، کوه روانه شود. هنوز این سخن تمام نگفته بود که کوه روانه گشت. هنوز از مقدمتین دو لب او این حرف نتیجه نداده بود که کوه ساکن در حرکت آمد. هنوز آن سالک این سخن نپرداخته بود که کوه همچون سالکان سبز پوش روانه شد. ابراهیم گفت: ای کوه، من امر نمیکنم، من به تمثیل سخنی میگویم تا کوه باز استاد» (۱۵). ورمقانی و همکارانش (۱۴۰۱) معتقدند در حکایت‌هایی که عتیقی تبریزی برای نیل به مقاصد تربیتی خود از آنها استفاده کرده است شکستن مرز واقعیت و فراواقعیت و اتحاد این دو و کنشهای کرامت‌آمیز و رفتارهای شگفت‌انگیز بوفور به چشم میخورد. عتیقی تبریزی همچنین از نمادها و اسطوره‌های مهم که یکی از عناصر و مؤلفه‌های رئالیسم جادویی هستند در برخی حکایاتش بخوبی استفاده کرده است (ورمقانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۰).

نتیجه‌گیری

مجالس عتیقی با سایر مجالس پیشین از نظر ایماژها و صور خیال تفاوتی شگفت‌آور دارد، اما از نظر محتوا مانند سایر کتب مجالس است و حاوی سخنان مشایخ و پیران تصوف است. از نظر زبانی، زبان مجالس پیراسته از کلمات ترکی و مغولی و آراسته به مفردات و ترکیبات نادر فارسی و عربی است. اشعار عربی عتیقی مبین این است که او به زبان و ادبیات عربی تسلط کافی داشته است. استفاده از جملات ساده، کوتاه و روان از ویژگی‌های لایه‌نحوی این اثر است. کاربرد کلمات با صورت آوایی کهن آنها، استفاده بسیار از حرف اضافه «از برای»، کاربرد گسترده صنعت تکرار و انواع جناس از مهمترین شاخصه‌های لایه‌ لغوی مجالس عتیقی است. خلق تشبیهات فراوان، شگرف و هنرمندانه مهمترین و اصلیت‌ترین ویژگی لایه بلاغی در این اثر است. عتیقی در پیوند زدن عناصر عرفانی، دینی و عاشقانه با استفاده از تشبیهات خلاقانه استادی و مهارت ویژه‌ای دارد. در لایه ایدئولوژیک اثر، مفاهیم عرفانی لطیف و عاشقانه درونمایه اصلی است که گاه با مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در هم می‌آمیزد.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دکتری هدی فتح‌زاده از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج استخراج شده است. سرکار خانم دکتر فاطمه حیدری راهنمایی و سرکار خانم دکتر ماه نظری مشاوره رساله را بر عهده دارند. خانم هدی فتح‌زاده بعنوان پژوهشگر این جستار گردآوری داده‌ها و تنظیم نهایی متن را انجام داده است و در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

با سپاس از کارکنان و مسؤولین محترم نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب).

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریج داخلی و خارجی به چاپ نرسیده است و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان یاد شده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت کامل دارند. در این پژوهش کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچگونه تخلف و تقلبی در نگارش آن صورت نگرفته است.

مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده دارند.

REFERENCES

- Aali Mahmoudi, Omidvar. (2017). "The influence of Hafez on Jalal al-Din Atighi Tabrizi (relying on the divan of his poems)", *scientific-specialized quarterly of language and lyrical literature studies of the department of Persian language and literature*, Islamic Azad University, Najafabad branch, (29) 8, pp. 52-76.
- Alavi Moghadam, Mahyar. (1996). *Theories of contemporary literary criticism*. Tehran: Samt.
- Atighi Tabrizi, Jalaluddin. (2012). *Diwan Atighi*, by Nasraullah Pourjavadi and Saeed Karimi, Tehran: Persian Language and Literature Academy.
- Atighi Tabrizi, Jalaluddin. (2012). *Majales*, edited by Saeed Karimi, Tehran: Written Heritage.
- Charmegi Omrani, Morteza and Ramezani, Ali Akbar. (2014). "Correcting and introducing the Masnavi of Tabrizi antique bow and deer debate" *Payam Baharestan* (25) 7, pp. 234-247.
- Mirsadeghi, Maymanat. (1992). *Dictionary of poetic art*, Tehran: Mahnaz book.
- Safa, Zabihullah. (1984). *History of Literature in Iran*, Vol. 3, Tehran: Amir Kabir.
- Tabrizi, Abul Majd Mohammad ibn Masoud. (2002). *Safine Tabriz*, by Abdul Hossein Haeri, Tehran: Academic Publishing Center.
- Vermaghani, Amene et al. (2022). "Investigation of reflections of magical realism in the tales of Tabrizi ancient assemblies" *Literary Textology*, (64) 26, pp. 145-170.

فهرست منابع فارسی

- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود. (۱۳۸۱). سفینه تبریز، به کوشش عبدالحسین حائری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- چرمگی عمرانی، مرتضی و رمضانی، علی‌اکبر (۱۳۹۴) «تصحیح و معرفی مثنوی مناظره آهو و کمان عتیقی تبریزی» پیام بهارستان (۲۵) ۷، صص ۲۳۴-۲۴۷.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات در ایران، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- عالی محمودی، امیدوار. (۱۳۹۷). «تأثیرپذیری حافظ از جلال‌الدین عتیقی تبریزی (با تکیه بر دیوان اشعار آنها)»، فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، (۲۹) ۸، صص ۷۶-۵۲.
- عتیقی تبریزی، جلال‌الدین. (۱۳۹۲). دیوان عتیقی، به کوشش نصرالله پورجوادی و سعید کریمی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- عتیقی تبریزی، جلال‌الدین. (۱۳۹۲). مجالس، به تصحیح سعید کریمی، تهران: میراث مکتوب.
- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. تهران: سمت.

میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳) واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: کتاب مهناز.
ورمقانی، آمنه و همکاران. (۱۴۰۱). «بررسی بازتاب‌هایی از رئالیسم جادویی در حکایت‌های مجالس عتیقی تبریزی»
متن پژوهی ادبی، (۶۴) ۲۶، صص ۱۴۵-۱۷۰.

معرفی نویسندگان

هدی فتح‌زاده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: hoda.fathzadeh@kiaiu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0002-3081-9888)

فاطمه حیدری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: fateme_heidari@kiaiu.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-7522-2797)

ماه نظری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: mah.nazari@kiaiu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-7302-3364)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Hoda Fathzadeh: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

(Email: hoda.fathzadeh@kiaiu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0002-3081-9888)

Fatemeh Heidari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

(Email: fateme_heidari@kiaiu.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-7522-2797)

Mah Nazari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

(Email: mah.nazari@kiaiu.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-7302-3364)